

فرقه عثمانیه

فرقه عثمانیه

عثمانیه از منظر اهل سنت: کسانی هستند که در محبت عثمان غلو کرده و برای امیرالمومنین (ع) نقص قائلند و از منظر امامیه: کسانی هستند که با خلافت امیرالمومنین (ع) مخالف بوده و عثمان و قتل عثمان را بهانه قرار داده و موجبات جنگ‌های جمل و صفین را فراهم آوردند ولی بعدها این مساله به حب عثمان و برائت و سب امیرالمومنین (ع) منجر شد. عثمانیه در بین اهل سنت مرادف با همان ناصبی [5] در شیعه می باشد. تاریخ تشکیل عثمانیه به بعد از زمان کشته شدن عثمان و بیعت با امام علی (ع) می رسد که عده ای از بیعت سر باز زده و جانب عثمان را گرفتند و با تحریک عایشه جنگ جمل و صفین را به راه انداختند. هر چند عثمانیه تا قرن چهار بیشتر دوام نیاورد و از بین رفت اما تاثیر تفکرات عثمانیه را ما تا چندین قرن بعد به وضوح مشاهده می کنیم تا جایی که ابن تیمیه ای که در قرن هشتم می زیسته آنها را بر علویون ترجیح داده می نویسد: «پس شیعه عثمان و نواصب افضل از شیعیان علی هستند. در ادامه تاریخچه عثمانیه مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

برخی بر این اعتقادند اولین مذهبی که در اسلام تشکیل شد مذهب عثمانیه بوده که دارای عمری کوتاه ولی بسیار موثر بوده است. اما اگر کمی با دقت نظر بنگریم به وضوح می بینیم که هم از نظر شیعه و هم از نظر اهل سنت این کلام با چالشهایی روبرو است. زیرا هم شیعه و هم اهل سنت مذهب عثمانیه را در واقع دومین مذهب بعد از تشیع می-دانند. اکنون برای مستند شدن مطلب دو عبارت را از کتب شیعی و کتب اهل سنت می آوریم تا این مطلب دقیقاً روشن گردد. اولین عبارت متنی است که سید مرتضی ابطحی در کتاب خود به نام الشیعه فی احادیث الفریقین می آورد و از ابوحاتم سهل ابن محمد بن عثمان سجستانی که از علمای بزرگ اهل سنت ساکن در بصره بوده نقل می کند که «اولین اسمی که در زمان رسول اکرم (ص) بین مسلمانان شایع شد لفظ شیعه بود و این لقب به چهار نفر از صحابه اطلاق می شد: «ابوذر و سلمان و مقداد و عمار» اینگونه بود تا زمان جنگ صفین که به موالی امیر المومنین (ع) اطلاق می گردید» [1] [2] و همچنین از کتب اهل سنت می توان به کتاب تاریخ ابن خلدون اشاره نمود. وی می نویسد: «در قضیه شورا تعدادی از صحابه که شیعه علی بودند و علی را مستحق خلافت می دانستند وقتی دیدند که خلافت به غیر علی رسید شروع کردند به اُف گفتن و بر این امر تاسف خوردن. اینها امثال زبیر و عمار یاسر و مقداد بن اسود و غیر از اینها بودند» [3]

پس اینکه فکر کنیم که عثمانیه اولین مذهبی بوده است که از دل مسلمانان تشکیل شده است اشتباه است هر چند در اوائل اسلام خصوصاً قرون اول و دوم نمی توان تاثیرگذاری آن را نادیده گرفت.

تعریف عثمانیه:

عثمانیه را از دو منظر می توان تعریف کرد:

از منظر اهل سنت: به قول ابن حجر عسقلانی، عثمانیه کسانی هستند که در محبت عثمان

غلو کرده و برای امیرالمومنین (ع) نقص قائلند. [4]
از نظر امامیه: عثمانیه کسانی هستند که با خلافت امیرالمومنین (ع) مخالف بوده و عثمان و قتل عثمان را بهانه قرار داده به کارشکنی در دولت آنحضرت پرداخته و موجبات جنگهای جمل و صفین را فراهم آوردند ولی بعدها این مساله به حب عثمان و براءت و سب امیرالمومنین (ع) منجر شد. عثمانیه در بین اهل سنت مرادف با همان ناصبی [5] در شیعه می باشد.

تاریخ تشکیل عثمانیه

زمانی که عثمان دست به کارهای ناشایست برای یک خلیفه اسلامی زد که مخالفت قطعی با سنت پیامبر اسلام (ص) و حتی سنت شیخین داشت برخی از مسلمانان علیه او شوریدند و این شورش در نهایت منجر به قتل عثمان گردید و ناگوارتر، این بود که همین مسلمانان به قول صاحب عقدالفرید نگذاشتند که خلیفه مسلمین در قبرستان بقیع که قبرستان مسلمانان بود دفن گردد و به ناچار خلیفه مسلمین را در حش کوكبیه دفن کردند. [6] در این زمان که تعدادی از مسلمانان مخالف عثمان بودند تعداد دیگری بالخصوص بنی امیه از عثمان جانبداری می کردند ولی به هر حال عثمان با این وضع کشته و دفن گردید. بعد از عثمان که عده کثیری از مردم به سوی امیرالمومنین (ع) روی آوردند تا آنحضرت خلافت را بپذیرند. در این وضعیت طرفداران عثمان یا بهتر بگوئیم مخالفان امیرالمومنین (ع) که خون عثمان را بهانه خوبی برای مخالفتهای خود یافته بودند از بیعت سر باز زدند که تاریخ طبری از تعدادی از این افراد نام می برد. طبری می نویسد: «چون که عثمان کشته شد انصار با علی بیعت کردند مگر تعداد کمی از انصار که از آنها حسان بن ثابت و کعب بن مالک و مسلمه بن مخلد و ابو سعید خدری و محمد ابن مسلمه و نعمان بن بشیر و زید بن ثابت و رافع بن خدیج و فضاله بن عبید و کعب بن عجره بود که همه اینها عثمانی بودند.» [7] البته عبدالله بن عمر در رأس کسانی است که با امیرالمومنین (ع) بیعت نکردند و غیر از این هم تعدادی از این افراد مثل حسان بن ثابت و کعب بن مالک و نعمان بن بشیر به شام رفته و با معاویه هم پیمان شدند. [8]

آنها با همراهی معاویه شروع به تحریک عایشه کرده جنگ جمل و بعد معاویه جنگ صفین را به راه انداختند که شعار اصلی عثمانیه در این جنگها «یا لثارات عثمان» [9] بود. بعد ها نیز جمله «علی دین عثمان» تا چندین قرن شعار عثمانیه محسوب می شد و در حادثه عاشورا بالخصوص این قضیه را مشاهده می کنیم. [10] هر چند عثمانیه تا قرن چهارم بیشتر دوام نیاورد و از بین رفت اما تاثیر تفکرات عثمانیه را ما تا چندین قرن بعد به وضوح مشاهده می کنیم تا جایی که ابن تیمیه ای که در قرن هشتم می زیسته آنها را بر علویون ترجیح داده می نویسد: «پس شیعه عثمان و نواصب افضل از شیعیان علی هستند.» [11]

تاثیر گذاری عثمانیه بر مسائل دیگر

در تاریخ می بینیم که برخی مسائل تاریخی، بدست عثمانیها یا به تحریک آنها بوده است: مثل جریان شهادت محمد بن ابی بکر که به تحریک عثمانیه اتفاق افتاد و یا مثل جریان تدفین امام حسن مجتبی (ع) که به وضوح دخالت مروان را که از عثمانیه است می بینیم که وی می گوید: «نه نمی گذاریم اینجا (کنار قبر پیامبر (ص)) دفن شود. عثمان در حش کوكبیه دفن شود و حسن در اینجا» [12]

توجه شدید به عثمان و دوری از امیرالمومنین (ع) تا به جایی رسید که امیرالمومنین (ع) را بالای منبرها سب می کردند و از اشعار معروف آن زمان این است:

وقستم بعثمان علیا سفاهه وعثمان خیر من علی و اطمیب [13]

یعنی: شما از روی نادانی علی را با عثمان مقایسه می کنید در حالیکه عثمان پاکتر و نیکوتر از

علی است.

هر چند در زمان عمر ابن عبد العزیز سب بر امیرالمومنین(ع) ممنوع شد اما غالب مردم تفکر عثمانی داشتند. بعد از قتل عثمان و حکومت اندک امیرالمومنین(ع) و امام حسن مجتبی علیهما السلام تمام حکومت ملک اختصاصی معاویه شد که خود، عثمانی و از طرفداران عثمان و پایه ریز و مجری سب بر امیرالمومنین(ع) بود و بعد از آن یزید که معلوم الحال است و بعد از آن هم مروان که وی هم عثمانی بود و مانع دفن امام حسن مجتبی(ع) در کنار قبر پیامبر شد و طبق حدیث « الناس علی دین ملوکهم » [14] وضعیت مردم در آن زمان کاملاً روشن می گردد.

وسعت جغرافیائی عثمانیه

اگر بخواهیم به وسعت عثمانیه و تاثیرگذاری آنها بر شهرها و مردمش نظری داشته باشیم باید بگوئیم در آن زمان شش شهر مهم در حوزه جغرافیایی جهان اسلام وجود داشت: مکه، مدینه، شام، کوفه، بصره، و مصر. اکنون به صورت مختصر به بررسی این شهرها و بزرگان آنها می پردازیم تا نوع اعتقادات مردم که غالباً برگرفته از اعتقادات بزرگانشان می باشد برای ما روشن گردد. [15]

عثمانیه و مدینه

در رابطه با صحابه تاثیرگذار در مدینه می توان به افراد زیر اشاره کرد:

عایشه که به اسم عثمان جنگ حمل را رهبری می کرد. وی ابتدا جزء مخالفان عثمان بود و دائماً می گفت بکشید این نعث را، [16] خدا او را بکشد اما بعد از حامیان و مدافعان خون عثمان شد. [17] عبیدالله بن عبدالله مخزومی از مدافعان سرسخت عثمان است. سلیمان ابن یسار که در تایید مروانین می کوشید.

سعید ابن مسیب، کسی بود که قائل بود عثمان مظلومانه کشته شد و قاتلانش ظالمند ولی آنها که در این معرکه تنهایش گذاردند معذور. [18] ابن شهاب زهری که جایگاه ویژه ای در دستگاه امویان داشت. مالک ابن انس که در باب علی و عثمان سکوت می کرد. اما در مجموع مدینه را جزء سکوتیون می شماریم.

عثمانیه و بصره

در رابطه با بصره فقط به این جمله معروف از اصمعی اکتفا می کنیم که گفت: تمام بصریان عثمانی هستند... بصره از زمان جنگ جمل عثمانی شد. [19]

عثمانیه و کوفه

اکثریت اهل کوفه مثل علقمه، عبدالرحمن ابی لیلی، سعید بن جبیر، ابراهیم نخعی، حکم بن عتیبه کوفی، سلمه بن کهیل کوفی، منصور بن معتمر، فطرابن خلیفه طرفدار امیرالمومنین(ع) بودند ولی در بین بزرگان مخالفانی هم مثل قیس بن ابی حازم، عامر بن شرحبیل، طلحه بن مصرف، خالد بن سلمه بودند ولی در مجموع کوفه را جزء علویون می شماریم.

عثمانیه و مکه

در مکه، مجاهد اهل سکوت بود ولی اگر به شدت از خوارج دفاع می کرد. طاووس بن کیسان به شیعه تمایل داشت. عمر بن دینار که مورد توجه امام باقر(ع) بوده و میمون ابن مهران که در ابتدا علوی اما بعد عثمانی شد.

عثمانیه و بغداد

عبدالله بن ادريس شافعی که متهم به دوستی امیرالمومنین(ع) است. عبدالله بن مبارک نیز از کودکی نسبت به اهل بیت تعلق خاطر داشت.

عثمانیه و شام

معاویه که خود عثمانی است. عبدالرحمن بن عمرو نیز که از طرفداران سرسخت بنی امیه بوده است. معاویه بن صالح است که قاضی حکومت امویان در اندلس بوده و خود دلیل بر عثمانی بودن وی است.

عثمانیه و یمن و مصر

از علمای یمن می توان به عبدالرزاق بن همام اشاره کرد که رنگ و بوی شیعی داشته است و از علمای مصر نیز می توان به علی بن ریاح و عبیدالله بن ابی جعفر اشاره کرد که هر دو از طرفداران بنی امیه بوده اند.

عاقبت عثمانیه

هر چند عثمانیه کار خود را با حرارتی تمام شروع کرد و در خیلی از جریانات قرون اولی تاثیرگذار بود اما با تلاشهای احمد بن حنبل این آتش رو به سردی گرائید و بالاخره در قرن چهارم بی فروغ گردید.

[1] 1416 [2]24 ... [3] 1984 3 [4]215 :
 7 [5]16 : () : 1413 [6]278 1420 - 1999 4 [7]270 2
 1405 9 5 3 458 1 307 [8]698 : [9]248 16
 1 245 [10]324 [11] . : 1406 5 [12]466 () : :
 1340 [13]13 16 1992 2 214 : 13 81 :
 1995 [14]134 15 () [15]21 2 1381 39 [16][17] .
 : 1997 [18]48 1 : - 1997 1 341 1999 4 270
 1999 6 264 [19] 144 3